

## شناسایی شاخص‌ها و مولفه‌های تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی

حسن کریمخانی<sup>۱</sup>

محسن هاشم نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف تحقیق شناسایی شاخص‌ها و مولفه‌های تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی است. روش تحقیق برحسب هدف، بنیادی-کاربردی؛ به روش آمیخته (کیفی-کمی) و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه‌ی آماری در بخش کیفی شامل کلیه خبرگان دانشگاهی حوزه علوم اجتماعی و کارشناسان خبره آموزشی و در بخش کمی شامل کلیه حاشیه نشینان شرق استان تهران می باشد که برابر با ۱۰۰۰۰۰ در نظر گرفته شد که در بخش کیفی ۱۲ نفر بعنوان نمونه و در بخش کمی ۳۸۴ نفر بر اساس جدول مورگان در نظر گرفته شد. به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از دو روش مطالعات اسنادی و میدانی استفاده شد و ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته وضعیت عوامل تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی استفاده گردید. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده بخش کیفی از کدگذاری باز-محوری-گزینشی و برای تحلیل بخش کمی داده‌ها نیز از نرم افزار آماری Smart PLS جهت انجام تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. یافته تحقیق نشان داد که مولفه‌های اصلی تاثیرگذار عبارتند از: تاثیر عوامل اجتماعی، فردی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی<sup>۲</sup> - سوادآموزی<sup>۴</sup>

### مقدمه

معمولاً برای پدیده‌هایی چون عقب ماندگی اقتصادی، فقر، جهل و وابستگی دلایلی متفاوت بیان می شود. این پدیده‌ها در دایره بسته‌ای فرض می شوند که هر کدام تشدید کننده دیگری است. نقطه آغاز همه این پدیده‌ها بیسوادی و جهل است که از بزرگترین معضلات هر جامعه محسوب می شود. با اندکی تعمق و تفحص در سرنوشت جوامع بشری از ادوار دور تا کنون، می توان به این نتیجه رسید که قسمت اعظم مسائل بشری که تنها بخشی از آن در این جا عنوان گردید، نه تنها از بی سوادی که از سواد نیز هست، چرا که مسائل و مشکلات جوامع به اصطلاح عقب افتاده و کشورهای جهان سوم حتی فقر و جهل آنها نیز معلول عواملی است که در اثر سیاست گذاریها، مدیریت ها و برنامه ریزی ها جوامع پیشرفته که غنی و باسواد نیز هستند به وجود آمده است. پس آنچه در این ماجرا حائز اهمیت است، تعهد اخلاقی و وجدان آگاه سیاسی حکومتها و دولتها و اتخاذ خط

<sup>۱</sup> . دکتری تخصصی مدیریت آموزشی ، سرپرست مرکز مطالعات و تحقیقات، شهرداری رودهن Hassankarimkhani@yahoo.com

<sup>۲</sup> . کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، مدیر منابع انسانی، شهرداری رودهن Smh.hashemmia@gmail.com

<sup>۳</sup> . Marginalization

<sup>۴</sup> . Education

مش‌های بشردوستانه، اصولی، واقع بینانه بر اساس شرایط موجود در هر جامعه است. همچنان که شاهدیم در محافل و جوامع مختلف از هر طریق وسائل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی به طور مداوم از انسانیت، بشردوستی، آزادی دموکراسی، زدودن فقر و جهل و بی‌سوادی داد سخن به میان می‌آید که در اصل هدف جز نقض حقوق بشر، از میان برداشتن و دموکراسی، استثمار و در نتیجه فقر و نادانی، بردگی، جنگ و مسائل گوناگون دیگر نیست. به همین دلیل ملت‌هایی که با تلاش و از خودگذشتگی بسیار و پس از مبارزات طولانی، خود را از زیر سلطه استعمار و استثمار رها می‌سازند در اولین مرحله پس از کسب آزادی و استقلال، به ایجاد دگرگونی‌های اساسی در روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌پردازند و به عنوان اساسی‌ترین رکن این تغییر به اجرای برنامه‌های سوادآموز و آموزش بزرگسالان می‌پردازند. زیرا این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت که جهل و نادانی خود عاملی است که به بازگرداندن دست جنایتکاران و استثمارگران جهانی کمک می‌کند. در واقع هرگونه تحول و تغییر سازنده بدون توجه کافی به برنامه‌های سوادآموزی و آموزشی بزرگسالان مخصوصاً در کشورهای جهان سوم که دارای درصد بالای بی‌سوادی هستند، غیرممکن است (منتظر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷).

از سوی دیگر گسترش آموزش بزرگسالان و ریشه کن کردن بی‌سوادی یک ضرورت اخلاقی برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. بی‌سوادی با فقر پیوند مستقیم دارد و در محروم‌ترین مناطق کشورهایی که دچار کمبود منابع طبیعی هستند، در بین فراموش شده‌ترین گروه‌های انسانی، در میان کسانی که از نارسایی‌ها و کمبودهای مهم و اساسی مانند غذا، بهداشت، مسکن و بی‌کاری رنج می‌برند و به گسترده‌ترین شکل ممکن وجود دارد تداوم بی‌سوادی سدهای عظیم در راه توسعه است و مانع از آن می‌شود که میلیون‌ها نفر مرد و زن عنان زندگی خویش را در دست بگیرند. بی‌سوادی عاملی است که مبارزه علیه فقر، نابرابری‌ها و تلاش برای پایه‌گذاری روابط برابر و منصفانه در برابر افراد و ملت‌ها را محکوم به شکست می‌کند. اگر شرایط و ویژگی‌های کشورهای محروم را مورد بررسی دقیق قرار دهیم، ملاحظه می‌کنیم که بی‌سوادی هرچند خود معلول نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی است ولی در ایجاد و تشدید آنها نقش تعیین‌کننده ای دارد. استعمار جهانی که آگاهی و خلاقیت انسان‌ها را مانعی برای حضور و سلطه خویش در کشورهای جهان سوم می‌داند نیز از دیرباز سعی خود را بر این معطوف داشته است که با طرح‌های درازمدت مانع رشد و شکوفایی استعداد‌های مردم شود و برنامه‌های رنگارنگش از رواج سیستم‌های غلط آموزشی و طبعاً شیوع بیماری مدرک‌گرایی تا کمیت به اصطلاح پیکار یا بی‌سوادی و نظایر آن شامل این مدعاست (فلسفی، ۱۳۹۸: ۱۷).

از سوی دیگر مهاجرت بی‌رویه به شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی در قرن گذشته و قرن اخیر از معضلات مهم شهرهای بزرگ جهان، بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، که پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی متعددی به دنبال داشته است. از آنجایی که علل حاشیه‌نشینی رانمی‌توان خارج از چارچوب علل مهاجرت بررسی کرد، می‌بایستی آنها را به طور توأمان مطالعه نمود. چرا که از یک طرف عوامل دافعه در روستا موجب تخلیه این واحدهای جمعیتی و مولد می‌گردد و از طرف دیگر عوامل جاذبه آنها را به سوی شهرها کشانده و سربار جامعه شهری می‌نماید. حاشیه‌نشینیان دارای وضعیت اجتماعی و اقتصادی و آموزشی نامناسبی بوده و بندرت جذب ساختارهای مدرن شهری می‌شوند. برداشته‌ها و روحیات خود آنها، نحوه برخورد و رفتار شهروندان دیگر با آنها، عدم توجه مسئولان سیاسی و خدماتی شهرها به آنها، موجبات ایجاد روحیه ی عصیان‌ورزی و حس انتقام در آنها شده که خود را به صورت رفتارهای ناپه‌نجان و مشکل‌آفرین بروز می‌دهد به همین منظور در این تحقیق سعی بر آن شده است که به بررسی شناسایی عوامل عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی گردد. در زمینه سوادآموزی و حاشیه‌نشینی تحقیقات متعددی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است که می‌توان به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره نمود:

پور رمضان و امیری می‌کال (۱۳۹۸) در تحقیق تحت عنوان تحلیل نقش نهضت سوادآموزی در توسعه فرهنگی روستاهای استان گیلان بیان داشتند که از زمان تشکیل نهضت سوادآموزی برای ایجاد فرصت یادگیری بزرگسالان تاکنون

پیشرفت چشمگیری در راستای تحقق برخی از اهداف در نظر گرفته شده صورت گرفته است. پس از سه دهه فعالیت این سازمان با توجه به تجارب ملی و تعامل آن با تجارب بین المللی ضرورت بازنگری و مهندسی مجدد در بسیاری از رویه ها و روش های مورد عمل وجود دارد. این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته به بررسی نقش نهضت سوادآموزی در توسعه فرهنگی روستاهای استان گیلان پرداخته است. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به روش اسنادی - میدانی به دست آمده است. به منظور تعیین نقش نهضت سوادآموزی در توسعه فرهنگی روستاهای گیلان، که برابر سرشماری سال ۸۵ از درصد باسوادی بیشتری برخوردار بوده اند، تکمیل شده است. متغیر مستقل تحقیق سواد آموزی و متغیر وابسته توسعه فرهنگی روستاها در نظر گرفته شده که جهت برقراری رابطه، تعداد ۱۵ گویه تعیین و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بررسی ها نشان می دهد که نهضت سواد آموزی در طی مدت فعالیت خود توانسته است افراد زیادی را در سطح روستاها با سواد نماید و روستاییان بعد از با سوادی، سطح آگاهی و فرهنگ آن ها ارتقای یافته است، از طرفی از نظر انجام تکالیف عبادی و شرعی، تلاوت قرآن کریم، بهره گیری از احادیث نبوی و معصومین علیهم السلام دچار تغییرات چشمگیر و مثبتی شده اند. همچنین در تعاملات گفتاری و شنیداری موفق تر و در خصوص استفاده از کتب و نشریات ساده راغب تر شده اند. خارج کردن زنان از انزوا و ورود آنان در عرصه سیاسی - اجتماعی که از آثار و برکات سوادآموزی است. خصوصا ضمن دنبال کردن اخبار از طریق رسانه های گروهی نسبت به رویدادهای محلی، ملی، جهان اسلام و بین المللی حساس تر شده اند.

ارجمندنیا و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان بررسی اثربخشی کتب غیردرسی نهضت سواد آموزی از دیدگاه زنان نوسواد شهر تهران بیان داشتند که تهیه و تنظیم کتاب های غیردرسی در سازمان نهضت سوادآموزی و به ویژه برای سوادآموزان زن یکی از تدابیری است که برای تداوم آموزش برای فراگیران اندیشیده شده است. بر این اساس ضرورت دارد که این کتاب ها متناسب با ویژگی های نوسوادان و فضای فرهنگی غالب طراحی گردد. هدف از انجام این پژوهش بررسی اثربخشی کتابهای غیر درسی از دیدگاه نوسوادان زن است. به منظور دست یابی به هدف مذکور ۱۲۰ نفر از نوسوادان از ۴ منطقه شهر تهران (شمال، جنوب، شرق و غرب) به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار محقق ساخته که در بر گیرنده ۵ مقوله وضعیت شکلی، محتوایی و اجرایی کتابها و تاثیر آنها بر اطلاعات عمومی و اجتماعی و وضعیت خواندن و نوشتن بود با کمک آموزشیار توسط نوسوادان تکمیل گردید. نتایج که با استفاده از ضریب خی دو و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شده بودند نشان داد که فراگیران، کتابهای غیردرسی را از منظر ۵ مقوله فوق الذکر مطلوب می دانند. ضمنا رابطه بین سن با نگرش به اثربخشی کتابهای غیر درسی ۰/۲۹ و رابطه پایه تحصیلی با نگرش به اثربخشی کتابهای غیر درسی ۰/۳۵ مثبت و معنی دار بود. توجه به کتاب های غیر درسی می تواند ضمانت بخش تداوم یادگیری در زنان نوسواد باشد.

فلسفی (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان رویکردی تطبیقی به سواد رسانه ای در کشورهای توسعه یافته بیان داشت که در عصر حاضر که انقلاب اطلاعات و ارتباطات مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و تحولاتی شگرف را در عرصه جهانی خلق کرده است، رسانه ها می توانند چون ابزاری مفید به انسان معاصر کمک کنند تا با استفاده از آخرین پدیده های علمی زندگی دلخواه، آرمانی و پربار داشته باشد؛ ضمن آن که اگر ابزار مزبور غلط و یا با سونیت به کار گرفته شود می تواند چون نیرویی ویران کننده و مصیبت بار عمل کند. برای این که بتوان در برابر رسانه های متکثر موجود مخاطبانی داشت که بتوانند در کنار بهره گیری آگاهانه و فعالانه از این رسانه ها خود را در برابر چالش ها و پیامدهای مخرب آن ها در زندگی محافظت کنند باید سوادی جدید ایجاد کرد که از آن با نام سواد رسانه ای یاد می شود. سواد رسانه ای علاوه بر توانایی ملحوظ در سواد سنتی که همان توان خواندن و نوشتن است، توانایی تحلیل و ارزشیابی پیام ها و قدرت انتقال اطلاعات به دیگران را در قالب های مختلف و با ابزارهای گوناگون در انسان پدید می آورد. هم چنین با توانمند کردن انسان برای درک شیوه کار رسانه ها و نحوه معنی سازی آن ها یعنی ماهیت و اهداف تولید پیام های رسانه ای و تاثیرات و تکنیک های رسانه های گوناگون او را از مصرف زدگی صرف خارج کرده و در برابر اثرات مخرب رسانه ها مقاوم می سازد. برای تبیین چنین موضوعی پژوهش مزبور در پی

پاسخ به این سوال است که رویکرد به سواد رسانه ای در کشورهای توسعه یافته چگونه است؟ در این پژوهش از مطالعه تطبیقی بر پایه روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده که با استفاده از منابع اطلاعاتی مکتوب، اسناد و مدارک معتبر شواهد علمی لازم برای پاسخ به پرسش پژوهش، جمع آوری و ارائه شده است. نگارنده در این پژوهش سعی دارد رویکرد کشورهای توسعه یافته ای هم چون انگلستان کانادا ژاپن و آمریکا جهت ارتقاء سواد رسانه ای در جوامع خود را بازنمایند.

تقی زاده و کیا (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان نیازسنجی برنامه آموزش سواد رسانه ای در مدارس بیان داشتند که سواد رسانه ای، مهارتی حیاتی برای زیستن در عصر کنونی است. در این مقاله، ضرورت، اهداف، محتوا، شیوه اجرا، تدریس، ارزشیابی و محدودیت های ورود آموزش سواد رسانه ای به مدارس کشور با روش مطالعه کتابخانه ای، اسنادی و دلفی از دیدگاه صاحب نظران بررسی شده است. یافته ها نشان داد بومی سازی و ورود آموزش سواد رسانه ای به مدارس، منجر به توانمندسازی دانش آموزان در استفاده بخردانه از رسانه ها، حفظ و تقویت هویت و فرهنگ ایرانی - اسلامی خواهد شد. اجرای آزمایشی دوره های آموزشی، ارزشیابی توصیفی، تدوین محتوا و ارائه به شکل تلفیق با متون درسی در دوره ابتدایی و ارائه کتاب مستقل در دوره متوسطه از دیگر یافته ها است. همچنین محتوا باید به شناخت انواع رسانه ها، تولید، ارزیابی و تحلیل انتقادی متون رسانه ای، توجه کند. نتایج نشان داد، بهره مندی دانش آموزان از آموزش سواد رسانه ای و مزایای آن، ضروری است.

سراج خرمی و شیرین صحرایی (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش آموزش های پس از سواد در ارتقای سطح آگاهی های زنان و دختران نو سواد بزرگسال روستایی بیان داشتند که بین پژوهش به منظور بررسی نقش آموزش های پس از سواد در ارتقای سطح آگاهی های عمومی و کاربردی دختران و زنان بزرگسال روستایی انجام شده است. تعداد ۶۰۰ نفر از دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده با روش نمونه گیری منظم، از جامعه آماری انتخاب شده اند. روش تحقیق از نوع علی-مقایسه ای است و ابزار پژوهش یک پرسشنامه ۴۹ سوالی چند گزینه ای در حد دوره تکمیلی تعیین شده است. از آزمون t برای گروه های مستقل به منظور مقایسه میانگین نمرات آزمون شوندگان دو گروه استفاده گردید. برای روایی و پایایی ابزار پژوهش، به ترتیب تاو کندال و ضریب آلفای کرانباخ مورد استفاده قرار گرفت که سوالات مربوط به فرضیه ۳ و ۵ در سطح ۰/۰۱ و سوالات مربوط به دیگر فرضیه ها در سطح ۰/۰۵ معنادار بود و پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۸ مشخص شد. نتایج پژوهش نشان می دهد که میان فراگیرانی که آموزش های پس از سواد را دریافت کرده اند با سوادآموزانی که این آموزش ها را دریافت نکرده اند در مولفه های بهداشت، پیشگیری از بیماری ها، تربیت فرزند، مسائل دینی و اعتقادی تفاوت معناداری وجود دارد.

احمدی و اعتمادی (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان تعیین تاثیر آموزش راهبردهای فراشناخت بر سواد خواندن دانش آموزان دختر بیان داشتند که جامعه مورد مطالعه در این تحقیق کلیه دانش آموزان دختر پایه چهارم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۹۶ است. به عنوان حجم نمونه طبق اصول علمی و صحیح و با روش نمونه گیری چند مرحله ای، تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش (۷۵ نفر) و گروه گواه (۷۵ نفر) جای داده شدند. با استفاده از آزمون های سواد خواندن پرلز ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ در دو بعد متون ادبی و اطلاعاتی که IEA مجوز انتشار آن ها را به کشورها داده بود، استفاده شد و نیز برنامه آموزش راهبردهای فراشناختی (آزمون های سواد خواندن جهت گردآوری داده ها به کار رفته و برنامه آموزش راهبردهای فراشناختی، برای تسهیل فرآیند آموزش فراشناخت) مورد استفاده قرار گرفت. نتایج داده ها با بهره گیری از آزمون تحلیل کوواریانس و t همبسته نشان داد: ۱- آموزش راهبردهای فراشناخت بر سواد خواندن در بعد متون اطلاعاتی موثر است. ۲- آموزش راهبردهای فراشناخت بر سواد خواندن در بعد متون ادبی موثر است. ۳- آموزش راهبردهای فراشناخت فراشناخت بر سواد خواندن (متون اطلاعاتی و ادبی) در طول زمان از پایداری مناسبی برخوردار است.

منتظر و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان طراحی مدل توسعه سواد اطلاعاتی در ایران بیان داشتند که فناوری اطلاعات موجب تغییراتی بنیادین در ادراک عمومی نسبت به توسعه شده و تاثیر آن به حدی بوده است که اینک فناوری

اطلاعات محور توسعه ملی تلقی می شود. مهم ترین رکن توسعه اطلاعاتی تربیت نیروی خلاق در زمینه فناوری اطلاعات است. در این مقاله با تبیین مفهوم سواد اطلاعاتی به عنوان جانمایه نظام آموزشی مبتنی بر فناوری اطلاعات، با بررسی تطبیقی مهم ترین مدل‌های توسعه سواد اطلاعاتی در جهان و مبتنی بر مطالعه ای پیمایشی در همه استان های کشور، مدلی جدید برای توسعه سواد اطلاعاتی در ایران ارایه و در پایان با بیان ویژگی های اصلی این مدل توسعه ای، نحوه عملیاتی کردن آن در سطوح مختلف تبیین شده است. ویژگی مهم مدل ارایه شده همخوانی بالای آن با مدل های بین المللی در عین بومی بودن آن برای آحاد کشور است. کاربریست این مدل موجب ایجاد چهارچوبی هدفمند به منظور حرکت جامعه ایرانی به سوی توسعه اطلاعاتی پایدار خواهد بود.

چن و چن<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) پژوهشی تحت عنوان « تأثیر طرح مجدد سوادآموزی در محیط های متغیر» انجام داده اند. این مطالعه موردی بر روی مردمان بیسواد سه کشور که در حال سازماندهی مجدد آموزش بودند انجام شد. نتایج نشان داد که باسواد نمودن مرد تأثیر مثبت معنادار روی روحیه شهروندان دارد.

توحیدی و جباری (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان جنبه های سوادآموزی به بیان جنبه های سوادآموزی و موضوعات مربوط به آن مانند احساس شایستگی و لیاقت، احساس مفید بودن، احساس ارزشمند بودن، حس استقلال فردی و اعتماد پرداختند و نشان دادند که این جنبه ها چگونه می توانند به افراد یک جامعه کمک کنند تا بر نگرانی های خود غلبه نمایند و اینکه با احساس مفید و با ارزش بودن و نیز حس مالکیت و اثربخشی چگونه میزان کارایی فعالیت این گونه افراد بهبود می یابد. به علاوه درمی یابیم که افراد باسواد، احساس کنترل فردی شدیدی بر روی زندگی دارند و عقیده دارند که می توانند بر شرایط و یا نتایج تأثیر گذارند .

فرجی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله ای تحت عنوان «استراتژی توانمند سازی منابع انسانی در پروژه های فقرزدا» به این نتیجه رسیدند که توانمندی منابع انسانی مهم ترین عامل برای بقا و حیات هر پروژه می باشد، و حتی رشد اقتصادی پروژه ها مدیون توانمندی کارکنان آن می باشد. ارتقای سواد اطلاعاتی منابع انسانی یک ابزار مدیریتی لازم و ضروری است که می تواند برای اداره آن و به منظور بالا بردن سطح کارایی پروژه ها مورد استفاده قرار گیرد .

تام باوم و کاترین چئونگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان «انتقال سواد اطلاعاتی به عنوان یک مفهوم مدیریتی در آسیا» در دپارتمان مدیریت منابع انسانی دانشگاه استراچلید گلاسکو در کشور انگلستان در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است. هدف این مقاله بررسی مفاهیم نظری، یعنی موضوع افزایش سواد اطلاعاتی در منطقه آسیاست. اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه های باز و گروه های تمرکز، بررسی کاملی از مفاهیم و روش های افزایش سواد اطلاعاتی در محیط کار خود ارائه می نمایند. این تحقیق معیارهای قابل سنجشی را در ارتباط با تفاوت های مهم فرهنگی در زمینه درک و بکار بردن توانمندسازی (هم در زمان تحقیق و هم در زمان عملی) را میان شرایط و موقعیت های مناطق غربی و آسیا در اختیار ما قرار می دهد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که افزایش سواد اطلاعاتی در فرهنگ های آسیایی، در مقایسه با افزایش سواد اطلاعاتی در کشورهای غربی، بیشتر در ارتباط با شایستگی های فردی می باشد. این نتایج همچنین نشان می دهد که افزایش سواد اطلاعاتی در ارتباط با محل زندگی افراد است.

## بیان مساله

مهاجرت بی‌رویه به شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی در قرن گذشته و قرن اخیر از معضلات مهم شهرهای بزرگ جهان، بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، که پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی متعددی به دنبال داشته

۲-Chen & Chen

۱. Tom Baum , Catherine Cheung & Wong

است. این دو پدیده جمعیتی و شهری اگر در راستای هم قرار گیرند و به هم پیوند بخورند، قطعاً مشکلات و پیامدهای منفی مضاعفی را برای یک جامعه بخصوص شهرهای بزرگ به دنبال خواهند داشت. حاشیه‌نشینان دارای وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامناسبی بوده و بندرت جذب ساختارهای مدرن شهری می‌شوند. برداشت‌ها و روحيات خود آنها، نحوه برخورد و رفتار شهروندان دیگر با آنها، عدم توجه مسئولان سیاسی و خدماتی شهرها به آنها، موجبات ایجاد روحیه ی عصیان‌ورزی و حس انتقام در آنها شده که خود را به صورت رفتارهای ناپه‌نجا و مشکل‌آفرین بروز می‌دهد. فرهنگ حاشیه‌ها اختلاطی از فرهنگ های گوناگون می‌باشد. عناصر و ارزش های فرهنگ شهری و روستایی و گروه های مختلف قومی، نژادی و مذهبی در این مناطق یافت می‌شود. مهاجران روستایی بتدریج ارزشهای کهن خود را از دست داده و ارزش های دیگری کسب می‌کنند و به همین جهت دارای رفتارهای متضاد و تناقضات فرهنگی متعددی هستند. این مسئله بر روح و روان افراد بخصوص جوانان تأثیر گذاشته و آن را دچار اختلال و اغتشاش می‌نماید. کشمکش های روانی و درونی موجب بروز رفتارهای ناپه‌نجا و ضد اجتماعی و پرخاشگری می‌گردد (احمدی پور ، ۱۳۹۹: ۲۹).

یکی از شاخصهای مهم فرهنگی سواد می‌باشد. در این نواحی درصد باسوادان و سطح سواد بسیار پایین می‌باشد که همین امر تأثیر چشمگیری در اغفال شدن آنها و عدم درک صحیح روابط و ساختارهای زندگی شهر داشته است و زمینه را برای جرایم و ناامنی‌ها آماده تر می‌کند. فقر فرهنگی در این جوامع موجب بی‌نظمی‌های فردی، خانوادگی و گروهی می‌شود. جوانان و نوجوانان معمولاً به علت فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها درس را رها نموده و به دنبال کار می‌گردند، که البته به علت عدم وجود امکانات اشتغال سالم در جامعه سرگردان شده و فقر و بیکاری و بیسوادی در یکسو و فشار برای تهیه ی پول از سوی دیگر آنها را به سوی امور غیرقانونی و حتی خلاف و جرم سوق می‌دهد (منتظر و همکاران ، ۱۳۹۶: ۵۵).

بی سوادی یکی از مسائل عمده اکثر کشورهای جهان سوم است که ریشه و اساس بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد. بررسی های اخیر سازمان یونسکو و بسیاری از سازمانهایی که در ارتباط با سوادآموزی یا آموزش بزرگسالان در کشورهای مختلف فعالیت می‌کنند نشان می‌دهد که این مسئله مشکلی همگانی است و محدود به کشورهای جهان سوم نیز نمی‌شود. این بررسی ها بیانگر این واقعیت تلخ هستند که بی سوادی و کم سوادی گرچه مسئله حاد و لاینحل اکثر کشورهای جهان سوم است ولی مشکل جدید کشورهای پیشرفته صنعتی نیز هست. اما مسئله بی سوادی به دلیل افزایش بی سوادان روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. با توجه به اینکه کسب مهارتهای سواد اولیه پله های نردبان دانش و آگاهی است، بی سواد ماندن درصد بالایی از افراد جامعه وسیله ای برای عدم آگاهی و فقدان تخصص و مهارتهای لازم برای ایجاد جامعه ای مستقل، آگاه و تواناست (پور رمضان و همکاران ، ۱۳۹۸: ۶۹).

حال این سوال مطرح می‌شود که با تمام امکانات در نظر گرفته شده از سوی دولت برای مناطق حاشیه نشین شهرها جهت باسواد شدن و ریشه کن نمودن بیسوادی چرا حاشیه نشینان شهرها از برگزاری کلاسهای سوادآموزش استقبال نمی‌نمایند عبارت دیگر سوال تحقیق عبارت است از عوامل موثر بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی چه می‌باشد؟

## هدف تحقیق

هدف اصلی:

شناسایی شاخص ها و مولفه های تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی

## مبانی نظری تحقیق

### کلیات حاشیه نشینی

شهرنشینی پدیده‌ای تازه نیست، در واقع بازی با کلمات خواهد بود اگر بگوییم این پدیده قدمتی برابر با قدمت تمدن دارد. اما، با آن که انسانهایی که از راه شکار و جمع آوری غذا زندگی می‌کردند در محلی به نام شهر گرد نیامده بودند. فرهنگ نو سنگی که اساس و بنای تمدنهای پیش از دوران صنعتی بود تنها اقلیتی شهر نشین ایجاد کرده بود، ظهور صنعت با فرایند رشد زندگی شهری توأم بود و در طی آن بیشتر مردم در کشورهای صنعتی برای زندگی در شهرها گرد آمدند. اگر چه در کشورهای فقیر کنونی نسبت جمعیت شهر نشین کمتر است اما این نسبت در حال افزایش است و حقیقت یکی از بارزترین تغییراتی که در این کشورها در حال شکل گرفتن است مهاجرت مردم در سطح جهان از نواحی روستایی به شهرها است که روندی سریع و حتی رشدی پرشتاب دارد. اما در جهانی که تکنولوژی حاکم، سرمایه بر است، عموماً رشد و افزایش فرصتهای شغلی در صنعت جدید تنها جوابگوی معدودی از افراد مهاجر به شهرها خواهد بود. همین مسئله است که باعث می‌شود رشد شهر نشینی در جهان معاصر در کشورهای فقیر ویژگی مختص به خود را داشته باشد و بسیاری مشکلات که خاص این کشورهاست به وجود آید (هادیزاده بزاز، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

### تفاوت حاشیه نشینی در غرب و کشورهای جهان سوم

طبق نظریه دانیل لرنر. غالب شهرها، مکان پناه گرفتن مدمی بی‌جا، آواره و رانده شده است که چون خش و خاشاک روان بر سیلاب به همراه سیل مهاجرت از روستاها کنده شده و به جامعه شهری سرازیر شده اند. بدون آنکه در زندگی صنعتی مدرن پذیرفته شده باشند. به نظر وی آلونک نشینی در اولین دیدگاه اثری است از آثار گذاری جوامع سنتی به جوامع صنعتی و شهری مدرن. طبعاً چنین گذار پر اهمیت و تاریخ ساز را نمی‌توان به دلیل آثار جنبی چون آلونک نشینی نفی یا متوقف ساخت. در جریان تحولات شهرهای مغرب زمین نیز چنین پدیده‌ای در محلات فقیر نشین متعلق به سیاهپوستان و یهودیان رخ داده است و تا به امروز در سطحی محدود ادامه یافته است. راه حل پیشنهادی این دیدگاه چیزی نیست مگر تحمل این قبیل مکانها و رها کردن آن در دست نامرئی بازار که خود به هر تقدیر چاره‌ای خواهد اندیشید، اشکال اساسی این دیدگاه که در باب زمینه‌های ایدئولوژیک آن قبلاً گفتیم. در یکسان انگاشتن تجربه غرب سرمایه داری با شرایط جوامع عقب مانده است و غافل از این امر که تجربه غرب تا حدود زیادی به بهای فلاکت جهان سوم تحقق یافته است. ایدئولوژیهای وابسته به مراکز سرمایه داری، از این مسئله بنیانی غافلند که شرایط ساختاری کشورهای صنعتی غرب با رشد چشمگیر صنایع، سطح اشتغال، امنیت شغلی و مزد نسبتاً بالا (به استثناء مراحل اولیه صنعتی شدن) به طور خودکار گسترش محلات فقیر نشین را کنترل کرده و این امکان را بیشتر ما من و ماوای رانده شدگان و قانون گریزان ساخته است. به علاوه وجود چنین محلاتی، برای سرمایه داری فواید عده‌ای به همراه دارد، حال آنکه در جهان توسعه نیافته یا رو به توسعه، آلونک نشینی با چنان سرعتی پیش می‌رود که گاه از نصف جمعیت شهرهای بزرگ در می‌گذرد و به نحوی که برای مثال در کلکته در سال ۱۹۷۲ میلادی فقط ۳۰۰۰ نفر در خیابان می‌خوابیده اند (آقاجانیان و پایدار، ۱۳۹۸: ۱۲).

### نحوه سکونت حاشیه نشینان

مطلب قابل توجه در حاشیه نشینی وجود تفاوت در نحوه سکونت حاشیه نشینی با دیگر انواع سکونت در شهر و روستا و در ایل می‌باشند. به بیانی دیگر، این شیوه زندگی با دیگر انواع شیوه‌های زندگی متفاوت است. علت تفاوت بین شیوه‌های زندگی در سکونتگاههای مختلف وجود نابرابری در دسترسی به امکانات موجود در جامعه است. انواع شیوه‌های سکونت، با توجه به امکاناتی که در اختیار افراد مختلف قرار گرفته است، شکل می‌گیرد. بنابر این می‌توان گفت که نابرابری در توزیع امکانات

چهرهای مختلف سکونتگاهها را به وجود آورده‌است. برای دستیابی دقیق تر به این مطلب، کافی است که عواملی مشابه را در شیوه های مختلف سکونت، با یکدیگر مقایسه کنیم، مثلاً مصالح ساختمانی به کار گرفته شده در ساختمان سرپناه را که بازترین اختلاف بین سکونتگاههاست و یا شیوه مصرف را که شاخص عمده ای در شناخت شیوه ی زندگی افراد مختلف می باشد (حسین زاده دلیر، ۱۳۹۸: ۱۶).

شناخت در این حد تقریباً در حیطه دانش عمومی مردم قرار داشته و همگان به راحتی این نابرابری را تشخیص می دهند. اما شناخت علت نابرابری توزیع امکانات دقت بیشتری می خواهد و ما را به دریافت عمیق تری از مسئله رهنمون می شود. برای دستیابی به شناخت عمیق تر، لازم است که در ابتدا امکان را تعریف کنیم و ببینیم چگونه به دست می آید. هر چیزی که انسان قدرت بهره برداری از آن را داشته باشد نوعی امکان بشمار می آید دسترسی به حلب برای ساختن خانه، امکان ایجاد ساختمانی از حلب را فراهم می آورد و داشتن قدرت دسترسی به آجر و تیر آهن، امکان ساختن خانه ای با آن مسئله را ممکن می سازد (زمانی پور، ۱۳۹۸: ۵۶).

بنابراین هر چیزی که استان قدرت دسترسی و بهره برداری از آن را داشته باشد، امکان نامیده می شود. جهان پر از مواهب مختلف است، شیوه ی استفاده از شمار اندکی از این مواهب توسط انسان شناسایی شده و دیگر مواهب، به صورت دست نخورده باقی مانده اند. تمام تلاش انسان در این است که بتواند به طور روز افزون، شیوه ی استفاده از مواهب بیشتری را بداند و از مواهب در دسترس خود استفاده بهتری کند. مثلاً از نفت به عنوان مواد سوختی استفاده می شود. اما با رشد دانش بشر و کشف شیوه استفاده از نفت در صنایع پتروشیمی، احساس می شود که شیوه استفاده بهتری از این ماده کشف شده و می بایست ماده دیگری را جایگزین نفت. به عنوان یک منبع انرژی سوختی، کنیم. می توان گفت که شیوه استفاده از موارد مختلف، آن مواد را به همان نحو مخصوص، در اختیار انسان قرار می دهد. به بیان دیگر شیوه ی استفاده و یا فن بهره برداری از مواهب مختلف، آن موهبت را به همان نوع، در دسترس انسان قرار داد، و وارد محدوده امکانات انسان می کند، پس، شیوه استفاده یا فن مشخص کننده امکان است. گفتنی است که شیوه استفاده و یا فن بهره برداری از مواهب طبیعی نزد اقوام و ملل مختلف متفاوت بوده و حتی در بین افراد یک قوم نیز گوناگون است همین اختلاف باعث دسترسی به امکاناتی متفاوت می شود که چهره زندگی گروهها و افراد مختلف را از یک دیگر متمایز می سازد (احمدی پور، ۱۳۹۹: ۲۰).

اگر به مسئله حاشیه نشینی بازگردیم و دریابیم که علت نابرابری در توزیع امکانات در سطح جامعه که باعث بروز اختلافات در نحوه سکونت حاشیه نشینان با دیگر انواع سکونت شده است، به سیستم فنی یا تکنیکی مسلط بر کل جامعه باز می گردد. تکنولوژی (فن آوری) حاکم بر جامعه، امکانات موجود را به گونه ای توزیع کرده است که عده ای قادر به سکونت در شهر و عده ای در روستا و عده ای دیگر در زاغه ها شده اند. هنگامیکه به تکنولوژی در سطح اجتماعی بنگریم، از معنای آن برخوردار خواهد شد، یعنی این واژه به تمامی روشها، دستگاهها، سازمانهای فیزیکی و اجتماعی و ابزار ابداعی و یا ساخته شده توسط انسان برای برخورد با محیط و به خدمت در آوردن نیروهای شخصی و محیطی اطلاق می شود. مسلماً تکنولوژی به معنای یاد شده، در هر کشور و جامعه، دارای هماهنگی و توافق عملکرد خاصی است که فنون مختلف آن، همانند اجزای یک سیستم واحد عمل کرده و قابل شناسایی می باشند. در غیر این صورت، در امور جامعه اختلال ایجاد شده و انسجام اجتماعی از بین می رود. اگر در تکنولوژی حاکم بر جامعه، ویژگی نابرابری وجود داشته باشد، امکانات به طور نابرابر توزیع می شود و در نتیجه شیوه هاتی سکونت افراد مختلف جامعه با دیگر تفاوت می یابند از این رو، می توان نتیجه گرفت که حاشیه نشینی، معلول ویژگی نابرابری در سیستم تکنولوژی حاکم بر جامعه است. تکنولوژی، همواره بکار گرفته می شود و بکار گیرندگان برای پیدا کردن اغراض خود نوع بخصوص از تکنولوژی را ابداع کرده و یا بر می گزینند و سپس مورد استفاده قرار می دهند. اگر در سطح اجتماعی به این عمل بنگریم، خواهیم دید که افراد هر جامعه مناسبات اجتماعی بخصوصی را بر گزیده و در چارچوب همان مناسبات است که ابزار مختلف را به کار می گیرند (مساواتی، ۱۳۹۹: ۱۱).



قوانین مسلط اجتماعی، ابزار اجرایی متناسب با خود را بر می‌گزینند و به وسیله آنها خود را اعمال می‌کند، یعنی نوع سیستم تکنولوژیدر سطح جامعه توسط سیستم روابط اجتماعی حاکم تعیین می‌شود. پس، تکنولوژی (به معنای اعم تابع سیستم روابط اجتماعی است) قبلاً نتیجه گرفته بودیم که وجود ویژگی نابرابری در تکنولوژی حاکم بر جامعه، علت پیدایش حاشیه نشینی است. حال می‌توانیم بگوئیم که چون تکنولوژی تابع سیستم روابط اجتماعی است، پس وجود ویژگی نابرابری در سیستم روابط اجتماعی است که مالا به حاشیه نشینی می‌انجامد و به بیانی دیگر حاشیه نشینی زائیده وجود ویژگی نابرابری در روابط اجتماعی مسلط بر جامعه است. به بیان ریاضی می‌توانیم بگوئیم: (روابط اجتماعی) -R- (تکنولوژی) -T- (توزیع امکانات) -F- توزیع جمعیت در انواع سکونتگاهها دریم جامعه تمرکز گرا، تکنولوژی اجتماعی نیز به شکل تمرکز گرایی تنظیم کرده و به همین نحو به کار می‌گیرد و به این ترتیب، توزیع امکانات نیز به صورت تمرکزی صورت می‌گیرد. توزیع امکانات به صورت تمرکزی و یا به عبارت دیگر توزیع امکانات به صورت قطبی، مراکزی را ایجاد می‌کند که از امکانات فراوانی برخوردارند و در مقابل و نقاطی پدید می‌آیند که از امکانات بسیار اندکی بهره مند می‌باشند، به این ترتیب اختلاف بین سکونتگاههای مختلف بوجود آمد، و عده ای شهر نشین، عده ای روستا نشین و عده ای دیگر حاشیه نشین می‌شوند. شدت اختلا بین این سکونتگاهها به میزان شدت در تمرکز گرایی روابط اجتماعی باز می‌گردد، هر چه از میزان تمرکز گرایی کاسته می‌شود، از گسترش و شدت اختلاف بین انواع سکونت گاهها کاسته می‌شود (هادیزاده و بزاز، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

## مهاجرت و حاشیه نشینی

یکی از دلایل عمده ریشه گیری حاشیه نشینی که مورد اتفاق نظر همه محققان، لاقلاً برای بخش قابل ملاحظه ای از آن بحث مهاجرت است. علیرغم اینکه مردم فقیر نشین زاده شده در شهر قسمتی از حاشیه نشینان را تشکیل می‌دهند، سهم قابل توجه مهاجرین به شهرهای بزرگ را خصوصاً در دوره توسعه اقتصادی و ایجاد و رشد قطبهای صنایع و شهرهای مرکزی، مطلبی است که لزوم توجه جدی را می‌طلبد و در صورت کنترل آن می‌توان نه تنها بر معضلات پی آمد آن فائق آمد بلکه امکان بهره برداری از این فرصت جهت ایجاد یک توسعه همه جانبه با رعایت عدالت اجتماعی نیز متصور است (زمانی پور، ۱۳۹۸: ۵۵).

## تحلیلی از حاشیه نشینی در ایران

حاشیه نشینی پدیده ای است که در پی وجود یک اقتصاد ناسالم و بیمار و در کنار سایر عوامل بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل، چهره و سیمای آنها را بدقیافه و زشت نشان می‌دهد. دو گانگی رادر جامعه شهری تشدید می‌کند. شیب طبقاتی را دامن میزند و بسیاری مشکلات دیگر را موجب می‌شود. بر پایه ضرورت توسعه ظرفیتهای اقتصاد و جامعه فعالیتهای تولیدی همراه با نو آوریهای روزمره جوامع اروپای غربی و شمالی را به نحوی درونزا یا برخواسته از شرایط تاریخی و در ادامه تحولات ساختاری آن جوامع از اسادگرگون کرده بر ویرانه های قرون وسطی جامعه صنعتی غربی را در راستای آمالهای سرمایه داری لیبرال پدید آوردند. زمینه های سود آور توسعه ای شگرف به خود دید و نو آوری از هر سو رواج یافت. شهرها به مرکز پر آشوب تحولات دنیای نوین تبدیل شد اما علیرغم توسعه کم نظیر ناموزونی و عدم تعادل ذاتی نظام که نتیجه وابسته بودن تولید و توسعه به سود آوری و انباشت است در بعد فضائی- مکانی نیز منعکس شد. لذا در چارچوب کل جامعه و در درون شهرها مناطق ناهمگون پدید آمد، در مقابل مناطق اعیان نشین محله های فقیر نشین که سکونت گاه فقیرترین اقشار ستمدیدگان و رانده شدگان از یک سو و انبوه قانون ستیزان قانون گریز از سوی دیگر است قارچ گونه روئید. بارش درونزای نا متعادل و در پرتو انقلابهای پی در پی علمی و فنی تولید کشورهای صنعتی سرمایه داری انبوه تر شد و لذا بر کنار از تمهیدات متنوع واز جمله گرایش به کالای یک بار مصرف، گسترش مصرف از طریق ایجاد نیازهای کاذب و تنوع بخشیدن به شیوه ها و ابزار ارضاء نیازها،

کم کردن دوره استهلاک کالا، بالا بردن سطح زندگی اقشار مختلف جوامع غربی و حتی کارگران از طریق غارت منابع ملل محروم و به عنوان حق السکوت و برای مصرف و از خود بیگانگی بیشتر، افزون بر ساعات فراغت از طریق خود کار کردن بخشهایی از فرایند تولید (اتوماسیون) و طراحی شیوه های گذران اوقات فراغت در جهت مصرف بیشتر و متنوع تر و خلاصه هزاران ترفند دیگر مصرف پایه پای تولید افزایش نیافت. زیرا گاه با نوآوری کوچک و به ظاهر محدود تولید دهها برابر زیادتر می شود ولی برای افزایش مصرف به همان میزان تضمینی وجود ندارد. جلوگیری از تولید از مصرف که خود از دلایل اصل بحرانهای ادواری تلقی می شود، گسترش جغرافیایی نظام سرمایه داری مقدم بر همه شیوه های افزایش مصرف را که فهرست وار عنوان شد در دستور کار قرار داد. جهان سوم تامین کننده مواد خام و واسطه ای نیز باید به سپاه مصرف کالا و خدمات در جهت انباشت بی پایان و افزایش سلطه سیاسی برای تداوم وضع موجود بپیوندد و حداکثر برای سر هم بندی کالاهائی که بر اساس الگوی مصرف غربی طراحی شده اند آماده شود. از این روی در جهت ارضای نیازهای سرمایه داری غربی توسعه برونزا یا تحمیلی مناطقی که به جهان سوم موسوم است و از جمله ایران بدون توجه به شرایط تاریخی بستر فرهنگی و نیازهای واقعی این قبیل جوامع آغاز و با هدایت غرب گسترش یافت. در جهان سوم نیز شهر مرکزی غربی، اما این بار فقط برای مبادله و مصرف به عنوان مقرر نمایندگیهای شرکتی فراملیتی و ایستگاههای مبادلاتی تکرار شده و در نتیجه پایتخت و با شدتی به مراتب کمتر چند شهر دیگر به سرعت رشد کرد و شهر نشینی شتابان ولی فوق العاده ناهمگون رخ داد. انبوه روستائیان آشنا شده با شهر پر آشوب نه از برای چرخاندن چرخهای صنایع نوپا بلکه بیشتر برای پادوئی در بخش دولتی نانسجیده و با دربخش خصوصی بی ضابطه که حتی با بخش خصوصی غربی نیز از هیچ نظر قابل مقایسه نیست، سیل وار به شهرها سرازیر شدند و شرایط کنونی پدید آمد (احمدی پور، ۱۳۹۹: ۱۵).

اقتصاد و جامعه ایران شدیداً وابسته (مخصوصاً ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷) به شمار می رود که آثار آن تا به امروز ادامه یافته است و حتی به علت مشکلات اقتصادی، تعطیلی برخی از زمینه های تولیدی وابسته و جنگ تحمیلی بالاخره مهاجرتهای منطقه ای نیز تشدید شده است. وابستگی اقتصادی جامعه ایران و علی رغم تزریق سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار برای مدتی نزدیک به ده سال به اقتصاد کشور و فروش مداوم ذخیره های طبیعی خدادادی به مدت بیش از یک قرن تحقق یافته و هر ساله تشدید شده است. به قول آنتونیو کارلو در حقیقت ایران (در دوران پهلوی) بیان گر و نشاندهنده واضح این حقیقت است که توسعه امری ساختاریست و نه معلول درآمدهای نفتی، هنگامی که دلارهای نفتی به ساختهای قدیمی تزریق شوند صرفاً چون فرو افتادن سنگی بر آب می ماند که لحظه ای مشخص و سپس محومی شود و این درست چیزی است که در ایران رخ داده است. ایران با گیر افتادن در دام تورم جهان کسری تولیدات کشاورزی (ولنا ضرورت وارد کردن روزافزون غذای مردم) و حقوق سنگینی که به کارکنان خارجی می پردازد خطر ورشکست شدن را به جان می خورد. نظام ایران قبل از ۱۹۸۳ فرو خواهد ریخت. نتیجه بلافصل چنین شرایطی هجوم همه گیر به تهران و چند شهر بزرگ دیگر بوده است که همچنان ادامه دارد و انعکاس فوری این فرایند به شکل معضل سر پناه و کمبود مسکن جلوه گر می شود که نتیجه قهری آن زندگی در مسکن نابهنجار است. این امر خاصه در سه دهه اخیر و به علت تحولات از بالا در روستا و به برکت افزایش شدید در آمد ارزی از طریق صدور نفت سرعتی فوق العاده به خود گرفت و جمعیت اضافی روستاها و گاه کل روستا به صورت بنه کن به شهرها سرازیر شده و شهری شدن به صورت فوق العاده ناهمگون رخ داد. تمرکز بسیار شدید جمعیت و امکانات در تهران و سپس به درجاتی به مراتب کمتر در مراکز برخی از استانها همه موید حاشیه ای بود. حاشیه نشینان، بیشتر افراد مهاجر روستایی، عشایر و کمتر شهری هستند که اغلب فاقد مهارت لازم شهری و بعضاً غیر ماهرند. این افراد بیشتر به علت عوامل منفی زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر، از محیط شهری پس زده می شوند و به تدریج در کانونهای بهم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمتهایی از شهر سکنی می گزینند، به صورتیکه محل سکونت و نوع مسکن آنها، با محل سکونت متعارف شهر مغایر بوده

ومالکیت آن غالباً عصبی است، همچنین حاشیه نشینان از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارد. بکار بردن مفهوم حاشیه نشینی در توصیف و بیان اجتماع مسکن نابهنجار ایرانی صحیح نبوده و سابقه تاریخی این مفهوم مورد غفلت قرار گرفته است (زمانی پور، ۱۳۹۸: ۷۲).

اصلاحات ارضی در رژیم گذشته به عنوان پدیده‌ای که نتایج مخربی به بار آورده و مهاجرت را پس از بروز نتایج زیانبار خود تشدید کرده و مهاجرت بی رویه نیز نتایج هولناک و عوارض نابسامانی را دچار جامعه شهری و کشور کرد. از عوارض مهم این پدیده در شهرها می‌توان به بیکاری پنهان و آشکار، شلوغی و تراکم بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگی مثل تهران، بروزمشکلات شهری و ناتوان ماندن شهر در ارائه خدمات و تسهیلات کافی به ساکنین خود و ... اشاره کرد. حاشیه نشینی در کشورهای جهان سوم با تاخیر و معمولاً به دنبال نفوذ فرهنگ و اقتصاد سرمایه داری و هم چنین به دنبال اجرای برنامه‌های اصلاحی وارداتی صورت گرفته است. با این وصف پدیده حاشیه نشینی و سکونت در مسکن نامتعارف در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه، قدرت کمتری دارد. مطالعات و بررسی‌های متعددی در شهرهای مختلف نشان می‌دهد که این سابقه از نظر زمانی از سالها پیش از سال ۱۳۲۰ و به دنبال نفوذ فرهنگ و اقتصاد سرمایه داری در ایران آغاز گردید و سپس منجر به تحولاتی شد که نهایتاً موجب گسترش بی رویه شهرها و انزوای روستاها گردید. در اثر این تغییر و تحولات تعادل اقتصادی و اجتماعی به هم ریخته، مهاجرت روستائیان به شهرها آغاز گردید. مکانیسم این تغییر و تحول به سه بخش قابل تقسیم است:

۱- نفت از آغاز قرن حاضر شمسی مورد بهره برداری قرار گرفته بود، در دهه ۱۳۳۰ نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد کشور به عهده داشت و مسلم است که بیش از هر جا، شهرها بودن که از نتایج این درآمدها سود برده، متحول شدند.

۲- برنامه‌های ۷ ساله از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بودند، بیش از پیش رونق شهرها را موجب بشدند که بطوری که در برنامه دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) بیش از ۱۷ درصد اعتبارات به امور اجتماعی اختصاص یافت که عمدتاً صرف لوله کشی برق رسانی و ایجاد تاسیسات درمانی و آموزشی و... در نقاط شهری شد.

۲- اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۱ به اجرا گذاشته شد به نوبه خود سیر مهاجرت روستائیان به شهرها را تشدید کرد. عده‌ای از کشاورزان که بعد از اصلاحات ارضی صاحب قطعه زمین کوچکی شدند، به علت آنکه از عهده مخارج و هزینه‌های زراعت بر نمی‌آمدند و وامها و اعتبارهای بخش دولتی نیز حتی در صورتی که شامل آنها می‌شد آنقدر اندک بود که کفاف هزینه‌های مذکور را نمی‌کرد.

کشاورزان به ناچار متوسل به نزول خواران و سلف خران می‌شوند و با بهره‌های زیاد وام می‌گرفتند، برخی از آن زارعان که زمینهای کوچک کفاف مخارج آنها را نمی‌داد و دسترس به وام و اعتبار مناسب هم برای ارتقاء بازدهی برایشان امکان نداشت، سرانجام مجبور می‌شدند زمینهای خود را بفروشند و اقدام به مهاجرت نمایند.

به این ترتیب، شروع حاشیه نشینی در ایران را از دهه‌های نخستین قرن حاضر هجری و بخصوص دهه ۱۳۰ دانست. یعنی زمانی که گسترش تاسیسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری واز سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون کشاورزی و اصولاً عدم به‌دگرگونیهای اساسی در روستاها و در بخش کشاورزی. دافعه روستائی را تشدید کرد (آقاجانیان و پایدار، ۱۳۹۸: ۱۶).

## کلیات سواد آموزی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ فصل جدیدی در تاریخ سواد آموزی ایران گشوده شد. بعد از گذشت تقریبی یک سال از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و با توجه به شکست‌ها و ضعف‌های سازمان‌های سواد آموزی گذشته و با برنامه‌هایی که توسط آنها به اجرا در آمده بود و از توفیق ناچیزی برخوردار بود در ۷ دی ماه ۱۳۵۸ به فرمان امام

خمینی (ره) و بر اساس مصوبه شورای انقلاب اسلامی سازمان جدیدی تحت عنوان نهضت سواد آموزی تشکیل شده در نخستین اساسنامه نهضت سواد آموزی آمده است:

«به منظور تحقق بخشیدن به اصل سی ام و بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی در زمینه ازوم تعلیم آموزش در میان همه افراد جامعه و نظر به فرمان تاریخی امام در زمینه بسیج عمومی برای ریشه کن کردن بی سوادی و گسترش تعلیم و تربیت به همه شهرها و روستاها و تأکید بر اینکه همه کشور را به یک مدرسه تبدیل کنیم، سازمان نهضت سواد آموزی تشکیل می شود.» (سراج خرمی و صحرايي، ۱۳۹۶: ۷).

آموزش بزرگسالان به عنوان شاخه ای از علوم تربیتی امروزه رشد و توسعه بیشتری پیدا کرده و اهمیتی را که بایستی به این شاخه از علوم تربیتی داده می شد، کسب کرده است. سواد آموزی نیز که بخش عمده ای از مباحث آموزش بزرگسالان را به خود اختصاص داده و یکی از معضلات کشورهای در حال رشد به شمار می رود، از اهمیت ضرورت خاصی برخوردار شده است. اکنون که انقلاب اسلامی ایران با رهبریهای راهبانۀ امام فقیدمان (ره) پس از پشت سر گذاشتن آزمایشات سخت و خنثی کردن توطئه های دشمنان، درصدد ریشه کن کردن جهل و بی سوادی به عنوان پایه و مایه اصلی استقلال فرهنگی و توسعه اجتماعی بر آمده است، می رود که گامهای ارزنده ای در این راه بردارد. از آنجا که ضرورت توجه به وضع یادگیری بزرگسالان و تفاوت آن با خرد سالان مورد توجه مسئولان نهضت سواد آموزی قرار گرفته است و توجه به این ضرورت تنها از طریق آموزش صحیح و در خور این وظیفه خطیر آموزشی صورت عملی به خود می گیرد، دفتر تحقیق و تألیف برحسب وظیفه و مسئولیتی که به عهده دارد در جهت نیل به این هدف ارزنده و تحقق آرمان های امام راحلمان تصمیم به تدوین یک مجموعه درسی، تحت عنوان «اصول و فنون آموزشی» به منظور تربیت آموزشیاران، این برادران و خواهران تلاشگر و فداکاری که عهده دار وظیفه سنگین آموزش سواد به بزرگسالان هستند گرفت تا بتوانند با کسب مهارت ها و معلومات اساسی در مورد آموزش بزرگسالان، مسئولیت سنگین خود را به درایت و آگاهی بیشتر ایفا نمایند.

برای این منظور دفتر تحقیق و تألیف نهضت سواد آموزی با همکاریهای ارزنده جمعی از اساتید دانشگاهها برنامه ریزی این سری متون درسی را آغاز کرد و کتاب حاضر اولین بخش از مجموعه فوق است که تحت عنوان شناخت بزرگسالان و روشهای سواد آموزی تقدیم آموزشیاران عزیز و سایر دست اندرکاران مسائل آموزشی بزرگسالان می گردد (ارجمندنیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲).

## تعریف و مفهوم سواد

همان طور که می دانید در گذشته های نه چندان دور، تعلیم و تربیت در اغلب ممالک طبقاتی و در انحصار اعیان و اشراف بوده است. آنان به تناسب وضعیت طبقاتی و دوری و نزدیکی به هیأت حاکمه از سطوح مختلف آموزشی از ابتدائی تا عالی بهره مند می شود حتی تحصیل در رشته های فلسفه و ادبیات و هنر و تاریخ در انحصار کامل اشراف زادگان بوده است. به هر حال تعبیر و تفاسیر مربوط به بی سوادی و باسوادی از دو دیدگاه و نگرش ریشه می گیرد.

دیدگاه اول:

همان دیدگاه سنتی است که منظور از سواد توانائی خواندن، نوشتن و حساب کردن یعنی همان سه مهارت اصلی می داند.

دیدگاه دوم:

دیدگاه جدید و نوینی است که در آن منظور از سواد، توانائی آمادگی افراد برای مشارکت در سرنوشت خود و پیشرفت و توسعه جامعه ارزیابی می شود.

«سواد عبارتست از توانائی خواندن و نوشتن یک برنامه ساده به هر زبانی که شخص تکلم می کند»

باسواد کسی است که مطالبی را که می خواند درک کند و بتواند وقایع ساده زندگی روزانه خود را بنویسد کسی که فقط خواندن بدانند شبیه با سواد و نیمه سواد است.  
با سواد کسی است که مطالبی را که می خواند درک کند و بتواند وقایع ساده زندگی روزانه خود را بنویسد کسی که فقط خواندن بدانند باسواد و نیمه سواد است.  
به عبارت دیگر در دیدگاه جدید، سوادآموزی اهداف دیگری به جز خواندن و نوشتن را تعقیب می کند. یعنی آموزش سواد همه ابعاد زندگی فرد را شامل می شود و بر تمام شئون زندگی او تأثیر می گذارد (نفیس، ۱۳۹۷: ۱۹).

### تشکیل سازمان نهضت سواد آموزی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی که به حق باید آن را یک انقلاب فرهنگی عظیم داشت مسئله محو پدیده شوم بی سوادی مورد توجه اندیشمندان و رهبران ارشد سیاسی کشور قرار گرفت. در رأس این دانشمندان، حکیم وفرازنه حضرت امام خمینی (ره) قرار داشت که با پیام تاریخی خود در هفتم دی ماه در سال ۱۳۵۸ فرمان مبارزه ضربتی با بی سوادی صادر فرمود. به دنبال صدور فرمان رهبر کبیر انقلاب، سازمان نهضت سواد آموزی به صورت کاملاً مستقل تأسیس شد در آغاز از همکاری و امکانات سایر نهاده ها و سازمان ها و ادارات دولتی استفاده می کرد. از سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی، این سازمان به وزارت آموزش و پرورش پیوست (دربندی، ۱۳۹۶: ۱۵).

۱۳

### نقش آموزشیاران در آموزش های بزرگسالان

۱- مربیان و یا آموزشیاران باید تسهیل کننده باشد  
۲- روش های اکتشافی را در کلاس بهبود بخشد و یا کمتر از شیوه های سخنرانی استفاده کنند.  
در در فرآیند انتقال یادگیری نیز آنچه در کلاس درس آموخته می شود انتقال داده نمی شود مگر اینکه یادگیرنده به صورت موفقیت آمیزی آن را کاربرد می کند، این کاربردی کردن حتی می تواند در جامعه محدودی نیز صورت گیرد (ریاحی، ۱۳۹۸: ۱۱).

### روند حاشیه نشینی در ایران

در کشورهای جهان سومی مانند ایران. مهاجرین روستائی که به سوی شهرها روانه گشته و برای خود مسکن و سر پناهی نمی یابند، به صورتهای گوناگون شب را به صبح می رسانند. خیابان خوابی. کارتن خوابی. زیر پله خوابی، مغازه خوابی، اقامت در ساختمانهای در حال احداث، اتاق وزیر زمین نشینی، کلینگ نشینی، کاروانسرا نشینی و شهرک نشینی غیر مجاز حاشیه شهرها از اشکال گوناگون آن هستند. اما بعنوان مکانهای استقراری که مهاجرین برای خود بر می گزینند باید به اشکال آلونک نشینی، حصیر آبادها، حلبی آبادها. کپر نشینها، گودنشینها و ... اشاره کرد که در بطن یا حاشیه شهرها شکل می گیرند. در بیان بحث از همه دستجات مذکور به عنوان حاشیه نشین یاد می شود. هر کدام از شهرهای ایران بنا به شرایط آب و هوائی و محیطی وبا توجه به امکانات محلی برای مصالح ساختمانی و همچنین فرهنگ مردم این مناطق. قشر حاشیه نشین رادرنار خود پذیرفته اند. البته باید گفت در شهرهای ایران، حاشیه نشینی به آن شکل که در بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه مثل مکزیکوسیتی یا قاهره قابل مشاهده است وجود ندارد اما بهر حال این مسئله در ایران خود رابه عنوان مشکلی حاد و در خور بررسی نشان داده است (حسین زاده دلیر، ۱۳۹۸: ۶۵).

## تحلیلی از حاشیه نشینی در تهران

جمعیت تهران در دوره زمانی مختلف با افزایش چشمگیری مواجه بوده است- بررسی آماری جمعیت تهران حاکی است ، جمعیت تهران در سال ۱۳۰۲ ، دویست و ده هزار نفر، در سال ۱۳۱۰ ، سیصد هزار نفر و در سال ۱۳۱۳ سیصد و شصت هزار نفر بوده است که در سال ۱۳۱۸ به ۵۴۰۰۰۰ نفر می رسد. در دوره های مذکور رشد جمعیت بطئی و آرام بوده است. اما رشد روزافزون و چشمگیر تعدادی از سال ۱۳۲۰ آغاز می شود بطوریکه در سال ۱۳۲۱ جمعیت تهران به ۶۹۹۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۲۹ به ۹۸۹۰۰۰ نفر بالغ می شود. این رقم در سال ۱۳۳۸ به ۱۶۲۶۰۰۰ نفر می رسد. پس از انجام سرشماری های منظم توسط مرکز آمار ایران که در سال ۱۳۳۵ آغاز می شود ، برآورد نسبت افزایش جمعیت دقیق تر می گردد. مطابق با آمار موجود. جمعیت تهران در سال ۱۳۴۵ برابر ۲۷۱۹۰۰۰ نفر بوده است که با حدود ۷۰٪ رشد به ۴۵۳۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ رسیده است. علاوه بر آن میزان رشد جمعیت در فاصله زمانی بین دو سر شماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بابتش از ۳۰ درصد افزایش به ۶۰۴۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. بنابراین تهران از همان ابتدا با افزایش جمعیت روبرو بوده است که بخش قابل توجهی از آن ناشی از مهاجرت افراد از استانهای دیگر به تهران می باشد. در این میان افزایش جمعیت از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ چشمگیر به نظر می رسد که تصور می رود این واقعه جمعیتی، خود به نوعی از عمده ترین پیامدهای اجرائی اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ باشد (مساواتی ، ۱۳۹۹: ۴۴).

## روش تحقیق

روش پژوهش برحسب هدف، بنیادی-کاربردی؛ برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی تاییدی؛ برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی بود. بنابراین با توجه به آن که تحقیق حاضر بصورت آمیخته انجام شده است روشهای تحقیق عبارتند از:

### الف) روش تحقیق بخش کیفی:

جهت شناسایی شاخص ها و مولفه های تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی از روش تحقیق اکتشافی مبتنی بر گراند تئوری جهت اکتشاف ابعاد، مولفه ها و شاخص ها استفاده شد.

### ب) بخش کمی:

در بخش کمی از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی جهت استفاده از اجرای تحلیل عاملی، برای بررسی داده های پرسشنامه و ارائه نتایج استفاده شد.

## جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

**الف) جامعه آماری در مرحله کیفی:** جامعه مورد مطالعه در مرحله کیفی شامل کلیه جامعه شناسان، مطلعین کلیدی، کارشناسان و مدیران شهری می باشد. بنابراین پس از مصاحبه نیمه ساختارمند با "گروههای کانونی" داده های کیفی در مورد عوامل عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی با ۱۰ تن از متخصصین و کارشناسان استخراج گردید.

**ب) جامعه آماری در مرحله کمی:** جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه حاشیه نشینان شرق استان تهران می باشد که در سال ۱۴۰۰ در شرق استان تهران و در خانه های فاقد پروانه ساخت زندگی می کنند، که بر اساس اطلاعات موجود در فرمانداری شرق استان تهران ( ورامین - پردیس - دماوند - فیروزکوه ) بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر در خانه های فاقد پروانه ساخت و در حاشیه شهرهای تابع شرق استان تهران و بعنوان حاشیه نشین زندگی می کنند.

<sup>1</sup>.Key Informants

**ج) حجم نمونه در مرحله کیفی:** در مرحله مقدماتی به منظور آگاهی از نظر خبرگان موضوع، مصاحبه های نیمه ساختارمند متعدد صورت گرفت. فرایند مصاحبه به گونه ای طراحی شد که بعد از هر مصاحبه داده ها کدگذاری و تحلیل شدند تا ضمن شناسایی ابعاد مطرح شده توسط صاحب نظران اولیه، این ابعاد در مصاحبه های بعدی پیگیری شوند. در پژوهش حاضر بعد از تکرار مولفه هایی که در مصاحبه ها صورت گرفت برای اطمینان از فراوانی یافته ها تکرار شده و جهت اطمینان بیشتر مصاحبه تکمیلی دیگر هم انجام شد. در مرحله اصلی تحقیق کیفی که از روش گروه کانونی استفاده می شود، تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در بحث گروه کانونی مشارکت داده شدند.

**د) حجم نمونه در مرحله کمی:** با توجه به حجم جامعه در مرحله کمی ۱۰۰۰۰۰ نفر و مراجعه به جدول برآورد حجم نمونه مورگان، حجم نمونه تحقیق ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد که با در نظر گرفتن ده درصد ریزش تعداد ۴۲۲ پرسشنامه توزیع گردید.

**و) روش نمونه گیری در مرحله کیفی:** انتخاب نمونه ای تحقیق در پژوهش های کیفی از نوع غیر احتمالی و هدفمند می باشد. در این روش پژوهشگر با شناخت جامعه هدف تحقیق و با آگاهی دست به انتخاب هدفمند نمونه ای مورد نظر تحقیق زد. در پژوهش حاضر رویکرد هدفمند در انتخاب نمونه کیفی تحقیق استفاده و از روش نمونه برداری زنجیره ای در شناسایی و انتخاب مطلعین کلیدی استفاده شد. در این روش پژوهشگر یک شرکت کننده را با لحاظ کردن شرایط، از طریق خبرگان شناسایی شده دیگر پیدا می کند.

**ه) روش نمونه گیری در مرحله کمی:** برای انتخاب نمونه های تحقیق در بخش کمی از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای استفاده شد بطوریکه ۴ فرمانداری (ورامین - پردیس - دماوند - فیروزکوه) بعنوان خوشه های اصلی و شهرهای تابع هر شهرستان بعنوان خوشه های فرعی در نظر گرفته شد و ابتدا نام ۴ خوشه اصلی درون کیسه ای قرار گرفت و بصورت تصادفی ۲ خوشه انتخاب گردید (شهرستان های پردیس و فیروزکوه) و ۳۸۴ نمونه مورد نیاز بصورت تصادفی از حاشیه نشینان شهرهای تابع شهرستانهای یادشده انتخاب شدند.

## روش گردآوری داده ها

برای جمع آوری اطلاعات از دو روش زیر استفاده شده است:

- ۱- روش اسنادی (کتابخانه‌ای): در این روش، اطلاعات از طریق مطالعه کتب، نشریات، منابع اینترنتی و پایگاه‌های اطلاعاتی جمع آوری و پس از انتخاب منابع نسبت به تهیه، فیش برداری و ترجمه متون مورد نظر اقدام شده است.
- ۲- روش میدانی: این بخش به دو شیوه انجام شده است: ابتدا برای انجام مصاحبه‌های اکتشافی به صورت هدفمند تعدادی از خبرگان آموزشی انتخاب شده و پس از اعمال هماهنگی‌های لازم در محل کار آن‌ها حضور یافته و با آن‌ها مصاحبه به عمل آمده است، سپس برای جمع آوری داده‌های مورد نیاز در بخش کمی با اعمال هماهنگی‌های لازم، پرسشنامه‌ها در بین نمونه‌های آماری توزیع و جمع آوری شده. پرسشنامه محقق ساخته از دو قسمت تشکیل شده است، قسمت اول در برگیرنده سؤالاتی بود که به ویژگی‌های جمعیت شناختی حاشیه نشینان مانند جنسیت، میزان تحصیلات، قومیت می پردازد و قسمت دوم حاوی ۳۲ سوال ده گزینه ای است و آزمودنی پاسخ خود را در مورد هر سوال در دامنه ای از نمرات ۱ تا ۱۰ ابراز می نماید. به منظور تعیین روایی محتوایی و صوری پرسشنامه محقق ساخته ابتدا با استفاده از متون و کتب علمی تعداد ۳۵ سوال در خصوص موضوع تحقیق طرح گردید. سپس متغیرهای مستقل و وابسته به دقت تعریف شده تا کلیه ابعاد متغیر روشن شود و آن گاه سؤالات طرح شده به ۱۰ داور که جزء متخصصان حوزه مورد نظر بودند ارائه گردید تا در خصوص مناسب بودن یا نبودن آنها اظهار نظر نمایند که در پایان روایی ۳۲ سوال از ۳۵ سوال مطرح شده مورد تایید قرار گرفت. به منظور تعیین میزان پایایی پرسشنامه محقق ساخته پرسشنامه فوق بین ۴۰ نفر از حاشیه نشینان شرق استان تهران توزیع و پس از

پاسخگویی جمع آوری شد، آنگاه جهت بررسی میزان پایایی از نرم افزار spss استفاده گردید و با بهره مندی از روش آلفای کرانباخ مقدار پایایی ۰/۸۲۹ بدست آمد.

### یافته تحقیق

**سوال تحقیق:** شاخص ها و مولفه های تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی چه می باشد؟

حال می خواهیم به این سؤال پژوهش پاسخ دهیم که شاخص ها و مولفه های تاثیرگذار بر عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی چه می باشد؟ تحلیل پاسخهای جمع آوری شده از پرسشنامه خبرگان به این سؤال جواب خواهد داد. با توجه به داده های جمع آوری شده در فرمت مصاحبه که با فرایند تطبیق مستمر به نقطه اشباع نظری رسیده است بعد از تعریف سؤالات اصلی پژوهش (مصاحبه) که برای آن ها مقیاس کمی تعریف شده است، می توان کدگذاری مصاحبه های جمع آوری شده را با تعریف ویژگی ها و ابعاد آن و نمودارهای توصیف کننده این ویژگی ها شروع کرد. شایان ذکر است که با ۱۲ خبره در این زمینه بر اساس مصاحبه نیمه ساختار یافته مصاحبه شد. در ادامه می توان سؤال های مصاحبه و چک لیست نتایج مصاحبه را در جداولی مجزا مشاهده کرد. پاسخ های ارائه شده برای سؤال پس از تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و گزینشی توسط پژوهشگر و دو نفر از متخصصین آمار در جدول زیر آورده شده است

جدول شماره ۱: کدگذاری نهایی عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی و انجام کدگذاری انتخابی

سازه	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	مفاهیم	کد مصاحبه شونده
عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی	عوامل جامعه شناختی و روانشناختی	اجتماعی	MAA1	عدم تبلیغات لازم از سوی نهادهای متولی در جهت جذب سوادآموز	I1, I2, I11, I7, I15
			MAA2	عدم توجه لازم بر رشد بینش اجتماعی فراگیران از سوی نهادهای متولی	I9, I7, I6, I1
			MAA3	عدم ترویج فرهنگ یادگیری در سطح شهر توسط شهرداریها	I12, I3, I9, I2, I4
			MAA4	عدم استقرار تکنولوژی (فن آوری) حاکم در جامعه در حاشیه شهرها	I4, I10, I3
	فردی	MAS1	بالا بودن سن فراگیران	I9, I7, I5	
		MAS2	وجود بیماریهای مختلف در بین فراگیران کهنسال	I7, I3, I10, I12, I10	
		MAS3	ترس از ابتلا به کرونا و سایر بیماریهای واگیردار	I4, I1, I3, I5	
		MAS4	ترس از دریافت نمرات پایین	I2, I5, I1, I8	
		MAS5	پایین بودن اعتماد به نفس فراگیران جهت حضور در کلاس	I12, I8, I2, I4	
		MAS6	احساس سردرگمی فراگیران برای رسیدگی به امور	I7, I5, I1, I8	





۱۷

	تحصیلی			
I6, I8, I4, I10	ناتوانی در یادگیری که بخش مهمی از مشکلات تحصیلی دانش آموزان را شکل می دهد	MAS7		
I5, I8, I10, I7	ناتوانی در مدیریت نمودن زمان از سوی فراگیران	MAS8		
I5, I7, I1, I2	بر عهده دار بودن مسئولیت زندگی توسط فراگیران	MAD1	اقتصادی	
I6, I8, I4, I5, I3	عدم تمکن مالی حداقلی	MAD2		
I5, I12, I2, I10	وجود دغدغه های معیشتی در بین فراگیران	MAD3		
I6, I8, I4, I5, I3	وجود بعد مسافت جهت دسترسی به کلاسهای درس	MAF1	آموزشی	
I1, I9, I3	عدم استفاده از مربیان با تجربه در آموزش	MAF2		
I5, I7, I9	عدم مناسب بودن فضای آموزشی	MAF3		
I2, I3, I4, I12, I8	عدم تاکید بر درک مطلب و کاربرد آن در زندگی از سوی مربیان	MAF4		
I10, I1, I12, I14	عدم به حد نصاب رسیدن سوادآموزان در کلاس درس	MAF5		
I9, I7, I8, I5	تاکید بر یادگیری حداقلی و از بین بردن انگیزه یادگیری	MAF6		
I10, I7, I8, I4	کوتاه بودن دوره انتقال دانش و یادگیری	MAF7		
I10, I5, I1, I9	عدم استفاده از بسته های آموزشی جذاب در دوره های سوادآموزی	MAF8		
I1, I7, I3, I5	عدم تاکید لازم بر حضور فیزیکی فراگیران در کلاس درس	MAF9		
I9, I2, I3	عدم نظارت لازم بر فرایند آموزش از سوی کارشناسان سوادآموزی	MAF10		
I3, I2, I1, I5, I8	عدم علاقه فراگیران به موضوع و درس های مورد مطالعه	MAF11		
I8, I12, I7, I10	عدم توجه مناسب معلمان و سایر مسئولان آموزشی به فراگیران	MAF12		
I10, I3, I11,	سبک زندگی حاشیه نشینان و عدم علاقه به یادگیری	MAR1	فرهنگی	
I7, I9, I5, I11	وجود روحیه ی عصیان‌ورزی و حس انتقام در بین ساکنین حاشیه شهرها	MAR2		
I3, I9, I10, I6	مهاجر بودن افراد حاشیه نشین	MAR3		

I4, I5, I7, I3	وجود فراگیران از قومیت های مختلف در کلاس درس	MAR4			
I2, I10, I2, I1	صحبت با گویشهای مختلف بین فراگیران در کلاس درس	MAR5			

در ادامه مدل تحلیل عاملی عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی را ملاحظه می‌نمایید:  
در این تحلیل اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بارعاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است. (کلاپین، ۱۹۹۴).

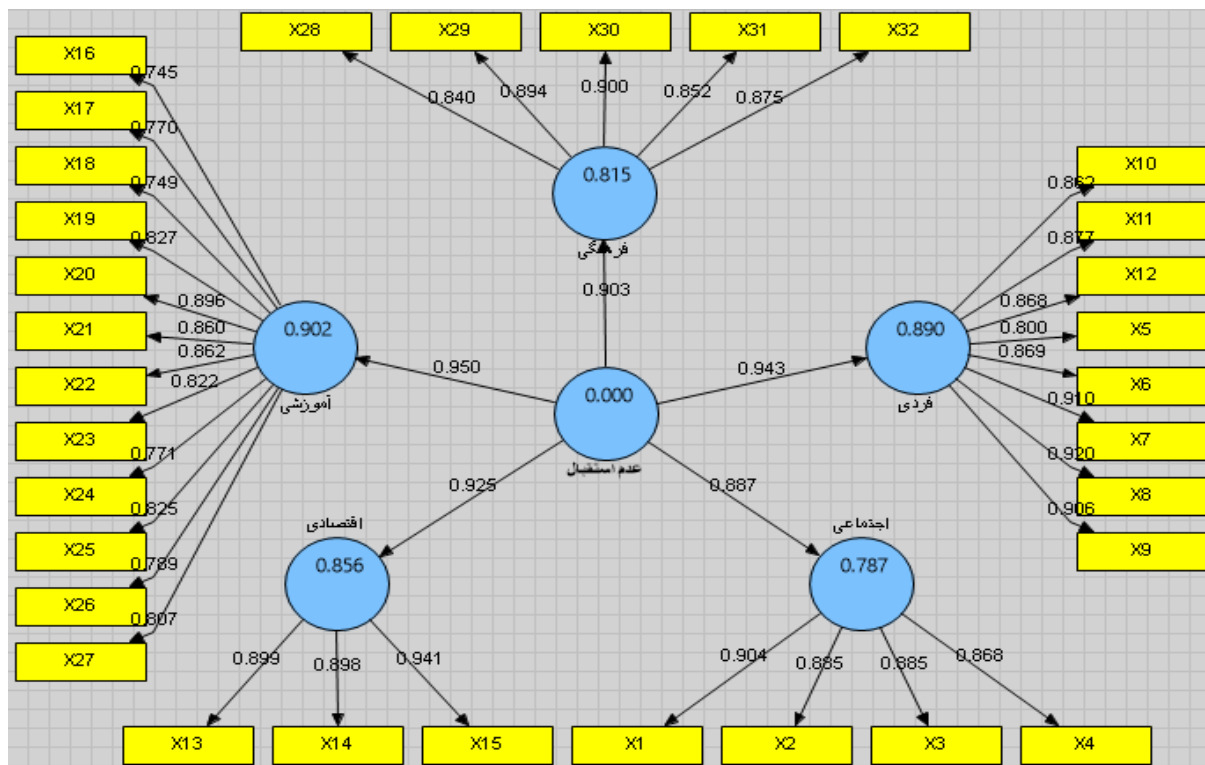
جدول شماره ۲: مدل تحلیل عاملی عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی

ضریب مسیر بعد	شاخص ها	بار عاملی	مولفه
۰/۷۸۷	عدم تبلیغات لازم از سوی نهادهای متولی در جهت جذب سوادآموز	۰/۹۰۴	اجتماعی
	عدم توجه لازم بر رشد بینش اجتماعی فراگیران از سوی نهادهای متولی	۰/۸۸۵	
	عدم ترویج فرهنگ یادگیری در سطح شهر توسط شهرداریها	۰/۸۸۵	
	عدم استقرار تکنولوژی (فن آوری) حاکم در جامعه در حاشیه شهرها	۰/۸۶۸	
۰/۸۹۰	بالا بودن سن فراگیران	۰/۹۰۶	فردی
	وجود بیماریهای مختلف در بین فراگیران کهنسال	۰/۹۲۰	
	ترس از ابتلا به کرونا و سایر بیماریهای واگیردار	۰/۹۱۰	
	ترس از دریافت نمرات پایین	۰/۸۶۹	
	پایین بودن اعتماد به نفس فراگیران جهت حضور در کلاس	۰/۸۰۰	
	احساس سردرگمی فراگیران برای رسیدگی به امور تحصیلی	۰/۸۶۷	
	ناتوانی در یادگیری که بخش مهمی از مشکلات تحصیلی دانش آموزان را شکل می دهد	۰/۸۷۷	
ناتوانی در مدیریت نمودن زمان از سوی فراگیران	۰/۸۸۲		
۰/۸۵۶	بر عهده دار بودن مسئولیت زندگی توسط فراگیران	۰/۸۹۹	اقتصادی
	عدم تمکن مالی حداقلی	۰/۸۹۸	
	وجود دغدغه های معیشتی در بین فراگیران	۰/۹۴۱	
۰/۹۰۲	وجود بعد مسافت جهت دسترسی به کلاسهای درس	۰/۷۴۵	آموزشی
	عدم استفاده از مربیان با تجربه در آموزش	۰/۷۷۰	
	عدم مناسب بودن فضای آموزشی	۰/۷۴۹	
	عدم تاکید بر درک مطلب و کاربرد آن در زندگی از سوی مربیان	۰/۸۲۷	
	عدم به حد نصاب رسیدن سوادآموزان در کلاس درس	۰/۸۹۶	
	تاکید بر یادگیری حداقلی و از بین بردن انگیزه یادگیری	۰/۸۶۰	
	کوتاه بودن دوره انتقال دانش و یادگیری	۰/۸۶۲	

	عدم استفاده از بسته های آموزشی جذاب در دوره های سوادآموزی	۰/۸۲۲	
	عدم تاکید لازم بر حضور فیزیکی فراگیران در کلاس درس	۰/۷۷۱	
	عدم نظارت لازم بر فرایند آموزش از سوی کارشناسان سوادآموزی	۰/۸۲۵	
	عدم علاقه فراگیران به موضوع و درس های مورد مطالعه	۰/۷۸۹	
	عدم توجه مناسب معلمان و سایر مسئولان آموزشی به فراگیران	۰/۸۰۷	
۰/۸۱۵	سبک زندگی حاشیه نشینان و عدم علاقه به یادگیری	۰/۸۴۰	فرهنگی
	وجود روحیه ی عصیان‌ورزی و حس انتقام در بین ساکنین حاشیه شهرها	۰/۸۹۴	
	مهاجر بودن افراد حاشیه نشین	۰/۹۰۰	
	وجود فراگیران از قومیت های مختلف در کلاس درس	۰/۸۵۲	
	صحبت با گویشهای مختلف بین فراگیران در کلاس درس	۰/۸۷۵	

در حال حاضر تمامی مولفه (اجتماعی ، فردی ، اقتصادی ، آموزشی و فرهنگی) دارای بار عاملی بیش از ۰/۵۰ هستند و ۵ مولفه شناسایی شده از عوامل اصلی عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی محسوب می شوند در نمودار زیر معادله ساختاری و تحلیل عاملی نحوه میزان روابط بین متغیرها مشاهده می شود:

۱۹



شکل شماره ۱: مدل تحلیل عاملی عدم استقبال بیسوادان حاشیه شهرها به کلاسهای سوادآموزی

## نتیجه گیری

جوان بودن جمعیت ایران (که بعد از انقلاب ویژگی مذکور چشمگیر تر شده است) و نیز جنگ تحمیلی که مهاجر تهای اجباری را دامن زد از عوامل مهم مهاجرت به شهرهای بزرگ است. جوانان با توجه به اینکه کمتر محافظه کار بوده و از ضریب ریسک پذیری بالاتری برخوردارند پس از آشنا شدن با وضعیت شهر که درسایه گسترش ارتباطات و نیز تعمیم رسانه های گروهی از جمله صدا و سیما بوجود می آید تمایل آنان به مهاجرت افزایش می یابد. از سوی دیگر افزایش مشاغل ساختمانی در تهران که در دوران سازندگی ایجاد شد و نیز تنوع مشاغل عواملی بودند که نقش بسزایی را در مهاجرت افراد ایفا کردند. یکی از عوامل دیگر مهاجرت به تنوع ساختار فرهنگی و در نتیجه پذیرفته شدن فرد مهاجر در میان هممنوع خود است، مهاجر روستایی اگر به شهر های همجوار روستا مهاجرت کند احساس خواهد کرد که تحت نظارت بوده و به اصطلاح نظاره گره های اجتماعی بر او کنترل دارند. از سوی دیگر احساس غربت و اقلیت بودن از لحاظ فرهنگی و ... ویژگیهایی هستند که مهاجر از آن ها برخوردار است. لذا شهرهای بزرگ در اکثر مهاجرتها بعنوان هدف و مقصد مهاجرت در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر ناتوانی و در عمل غیر کارآمد شدن شوراهای روستایی که به تبع آن، کاهش امنیت اجتماعی، اقتصادی و ... پدید آمده و نیز عدم حل مشکلات رفاهی، درمانی و آموزشی از عوامل دیگر ترغیب افراد روستایی به مهاجرت بالاخص تهران شد. در میان عوامل و علل مهاجرت به تهران به فقدان کنترل درساخت و سازهای مناطق حاشیه ای شهر نیز می توان اشاره کرد. بعد از انقلاب در این خصوص کنترلی اعمال نشد و ساخت و سازهای فراوان با مصالح ارزان قیمت و نامرغوب موجب ایجاد مسکن ارزان قیمت در مناطق حاشیه ای و ... موجب سهولت و حتی تشویق مهاجرت و در نتیجه افزایش تعداد مهاجرین به تهران شد. توجه به مسائل آموزشی در بین مهاجرین و و حاشیه نشینان همواره مورد توجه دولت بوده است بطوریکه مبالغ گزافی هر ساله در قالب بودجه سراسری در اختیار نهادهای متولی اعم از آموزش و پرورش و نهضت سواد آموزی جهت هزینه برای افزایش میزان تحصیلات در نقاط محروم و حاشیه شهر ها می گردد، اما مشاهده می شود که با انجام چنین هزینه های سرسام آوری بیسوادان حاشیه شهرها رغبت چندانی جهت حضور در کلاسهای سواد آموزی ندارند و عبارتی هزینه های صورت گرفته به نوعی به هدر می رود. در راستای یافته های تحقیق می توان پیشنهادهای ذیل به مسئولین ارائه نمود:

- دادن بروشورهای روانشناسی و جامعه شناسی متناسب با علم و علاقمندیهای سوادآموزان و یا دادن بودجه ای به ادارات برای نیل به این موضوع.

- اجرای طرح باز آموزی در برخی آموزشیاران ضعیف و تشویق آنها به جذب حتی با یک دادن لوح تقدیر

- شناسایی و پرورش خلاقیت آموزشیاران خلاق و معرفی آنها به سازمانهای زیر ربط.

- بالا بردن روحیه مشارکت و راهنمایی به کارهای گروهی صحیح و عمل و باور این موضوع که این اعمال در حد کلیشه نبوده و با کمی مطالعه تلاش های کاذب دیگر را برای آنها در پی نخواهد داشت.

- اجرای تدابیری و هیات مشاوره با مناطق تحت پوشش و بیان مشکلات آموزشی و سایر مسایل از جانب راهنمایان تعلیماتی در جهت باز آموزی و همکاری با چاپ و توزیع برخی وسایل و جزوات خوب و کارآمد متناسب با محدوده مکانی هر یک از آموزشیاران.

- دادن مجوز حق جذب به ادارات برای کلاسها در صورت جذب و نگهداری خوب آموزشباران کوشا و ایجاد حس رقابت سالم میان سایر آموزشیاران باشد که با ارتقای سطح علمی و ارتقاء سطح کیفی آموزشی و خلاقیتها به پرورش عزت نفس و اعتماد به نفس و بالا بردن حس مشارکت ..... با ترفندهای و تکنیکهایی که کارآمدی بیشتری در پیش دارد.

- ارائه محتوای مطالب درسی و متناسب با نیاز آموزش بزرگسالان.

## منابع

- احمدی پور ، زهرا(۱۳۹۹)، حاشیه‌نشینانی در بخش مرکزی کرج ، تهران: دانشگاه تربیت مدرس ، مجله رشد آموزش جغرافیا ، شماره ۳۸
- احمدی ، امینه . اعتمادی ، مهناز (۱۳۹۶)، تعیین تاثیر آموزش راهبردهای فراشناخت بر سواد خواندن دانش آموزان دختر، تهران : فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی :بهار ۱۳۹۱ , دوره ۳ ، شماره ۳ .
- ارجمندیا ، علی اکبر . میرحسینی ، زهره . کاکابرایی ، کیوان (۱۳۹۹)، بررسی اثربخشی کتب غیردرسی نهضت سواد آموزی از دیدگاه زنان نوسواد شهر تهران، تهران : دانش شناسی (علوم کتابداری و اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات ، دوره ۳ ، شماره ۹ .
- آقاجانیان ، اکبر . پایدار ، مجید (۱۳۹۸)، پژوهشی در مشکل اجتماعی حاشیه‌نشینانی، تهران: سلسله مقالات جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی ، شماره ۲۶ .
- پور رمضان ، عیسی . امیری میکال ، محمد (۱۳۹۸)، تحلیل نقش نهضت سواد آموزی در توسعه فرهنگی روستاهای استان گیلان، تهران : چشم انداز جغرافیایی ، دوره ۹ ، شماره ۳ .
- تقی زاده ، عباس . کیا ، علی اصغر (۱۳۹۸)، نیازسنجی برنامه آموزش سواد رسانه ای در مدارس، تهران : مطالعات فرهنگ - ارتباطات : تابستان ۱۳۹۳ , دوره ۱۵ , شماره ۲۶
- حسین‌زاده دلیر ، کریم (۱۳۹۸)، حاشیه‌نشینانی، در جستجوی معنی و مفهوم، تهران: مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، شماره ی ۴۶ - ۴۵
- دربندی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، در تحولات وضع سواد در ایران ، تهران: مجله رهنمود ، شماره ۴ ، دوره ۳ .
- ریاحی ، علی (۱۳۹۸)، شرح کوتاهی بر نهضت سوادآموزی، تهران: دفتر مرکزی نهضت سوادآموزی، چاپ اول.
- زمانی پور ، اسدا... (۱۳۹۸)، مهاجرت روستائیان به شهرها و اثرات آن بر توسعه ی کشاورزی، تهران: مجله تدبیر، شماره ۷ ، دوره ۳ .
- سراج خرمی ، علیرضا . صحرایی ، علیرضا (۱۳۹۶)، بررسی نقش آموزش های پس از سواد در ارتقای سطح آگاهی های زنان و دختران نو سواد بزرگسال روستایی، تهران : پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی ، دوره ۹ ، شماره ۳۲ .
- فلسفی ، غلامرضا(۱۳۹۸)، رویکردی تطبیقی به سواد رسانه ای در کشورهای توسعه یافته، تهران : مطالعات رسانه ای : دوره ۹ ، شماره ۲۴
- مساواتی ، مجید (۱۳۹۹)، خانواده‌های مهاجر روستایی و زمینه‌های طلاق ، تهران: فصلنامه ی پژوهشی جمعیت ثبت و احوال کشور، سال پنجم ، شماره ی ۱۶ و ۱۵
- منتظر، غلامعلی. نصیری صالح ، فرزین. فتحیان ، محمد(۱۳۹۶)، طراحی مدل توسعه سواد اطلاعاتی در ایران، تهران : پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی : تابستان ۱۳۹۶ , دوره ۱۳ , شماره ۴۴ .
- نفیسی، عبدالحسین(۱۳۹۷)، تأمین هزینه های آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه، تهران: هفتمین همایش مسائل اجتماعی - اقتصادی..
- هادیزاده بزاز، مریم(۱۳۹۸)، حاشیه نشینی و راهکار های ساماندهی آن در جهان، مجموعه مقالات دومین همایش شهرداری مشهد.
- Cheng -Jen Chen (2021). The Effects of Literacy Reform in Variable Environments .Unpublished Doctoral dissertation University of the Incarnate.
- Faraji Lahijani , Payam & Nojedehi , Pouya & Haghanipour , Afsoon, (2020), " Human Resources Empowerment Strategy in Poverty Reduction Projects " International Journal of Engineering Research and application (IJERA) ISSN: 2248-9622 www. ijera. com. vol. 2, Issue 3, May – Jun ,
- Tom Baum , Catherine Cheung & Wong(2020) . Transfer of information literacy as a managerial concept in Asia the role of mission. Journal of college student development, 47(2)

پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته‌ای در مدیریت و مهندسی



۱۴ تیر ۱۴۰۱ | محل برگزاری: دانشگاه تهران

5<sup>th</sup> International Conference on Interdisciplinary Studies in Management & Engineering (ICISME-2022)

5 July 2022 | University of Tehran

OxfordCert  
UNIVERSAL

-Tohidi , P & Jabbari, P. (2021), " \_Aspects of literacy " International Journal of Engineering Research and application (IJERA) ISSN: 2248-9622 www. ijera. com. vol. 2, Issue 3, May – Jun ,